

گزارشی از راه پیمایی "اتحاد زنان آزادیخواه" در شهر رتردام (هلند) به مناسبت روز جهانی زن

در روز یکشنبه ۷ مارس ۲۰۱۰، چند گروه مختلف ایرانی و غیر ایرانی یک راه پیمایی را به مناسبت روز جهانی زن تدارک دیده بودند که "اتحاد زنان آزادیخواه" نیز یکی از تشکل‌های بود که برای شرکت در این تظاهرات فراخوان داده بود. به همین دلیل من نیز با تعدادی از رفقا برای شرکت در این حرکت به رتردام رفتیم. متأسفانه بنا به دلایلی ما به موقع به محل تظاهرات نرسیدیم و از تظاهرات عقب افتادیم. با این حال امکان یافتیم که با تعداد دیگری از کسانی که مانند ما دیر رسیده بودند خود به راه پیمائی پرداخته و در بخش کوتاهی از مسیر تعیین شده، با حمل بنرهایمان به سمت نقطه پایانی راه پیمایی حرکت کردیم.

چندین نفر از دوستان و رفقای خوبی که در مراسم روز قبل (مراسمی که در روز شنبه ۶ مارس در محل "میز کتاب" آمستردام برگزار شد) برای اولین بار با آن‌ها آشنا شده بودیم، هم زمان با ما به آن جا رسیدند. ما در آغاز حرکت، حدود نیم ساعت در پیاده روی یکی از خیابان‌های مسیر راه پیمایی ایستادیم و بنرهایمان را جلوی نرده‌های پیاده رو به نمایش گذاشتیم. بر روی این بنرها عکس‌هایی از مبارزات توده‌ای اخیر و شعارهایی بر علیه رژیم جمهوری اسلامی (به زبان فارسی و انگلیسی) چاپ شده بود. در این فاصله اطلاعیه انگلیسی تشکل "اتحاد زنان آزادیخواه" را نیز در میان رهگذران پخش کردیم.

با این که حدود ۲۰ نفر بودیم، اما توجه عابریین به ما جلب میشد و آن‌ها با کنجکاوی به عکس‌های روی بنرها نگاه میکردند. دیدن حس حمایت در نگاه و لیخند عابریین در شرایطی که اخبار مربوط به جنبش توده‌ای اخیر مردم ایران در سراسر دنیا منتشر شده، دور از انتظار نبود.

در طول مسیر راه پیمایی با دوستان و رفقای جدیدمان که از گروه‌ها و سازمان‌های مختلف سیاسی بودند، در رابطه با وضعیت سیاسی-اجتماعی زنان و به ویژه زنان هلند و کارگران زن در هلند صحبت کردیم و آن‌ها اطلاعات بسیار جالبی را در اختیار ما گذاشتند. یکی از رفقا خاطرات جالبی را از برخی از فعالیت‌های نیروهای چپ که در طول ۲۰ سال گذشته علیه رژیم جنایتکار جمهوری اسلامی در هلند انجام شده، بازگو میکرد. از جمله از حمله چند سال پیش نیروهای انقلابی به سفارت جمهوری اسلامی و تأثیرات این حرکت در صفوف اپوزیسیون صحبت کرد.

مرد جوانی که از فعالین سیاسی غیر ایرانی (مقیم هلند) و زاده یکی از کشورهای آفریقایی بود، با مهربانی سوال کرد که آیا بنر سنگین است؟ آیا به کمک او برای حمل بنر احتیاجی هست؟ از مهربانی او تشکر کردم و شروع به صحبت با وی به زبان انگلیسی در مورد شرایط ایران کردیم. او در مورد دیدگاه‌های "اتحاد زنان آزادیخواه" و تفاوت آن‌ها با دیگر تشکلات زنان ایرانی سوال کرد. برای او توضیح دادم که از آن‌جا که صدای زنان کارگر و زحمتکش ایران جز به شکلی ضعیف در خارج از کشور منعکس نمی‌شد، در سال ۲۰۰۷، تعدادی از زنان فعال در جنبش زنان به درستی به این نتیجه رسیدند که پژواک گر هر چه بیشتر این صدای انقلابی در جنبش زنان باشند و از این رو مبادرت به تشکیل "اتحاد زنان آزادیخواه" نمودند. آن‌ها بر این باورند که سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی اولین قدم برای رسیدن به برابری کامل زن و مرد بوده و این امر را در پلاتفرم خود قید کرده‌اند. آن مرد جوان ضمن تأیید حرفهای من در رابطه با رفرمیسم حاکم بر بسیاری از تشکلات زنان و حتی آن‌ها که خود را مارکسیست-فمینیست هم می‌نامند، سوال کرد که آیا فقط در چهارچوب جنبش زنان فعالیت میکنم؟ جالب است که وقتی به او توضیح دادم که من علاوه بر عضویت در "اتحاد زنان آزادیخواه" از فعالین چریکهای فدایی خلق هستم و به تئوری راهنمای چریکهای فدایی خلق، یعنی تئوری مبارزه مسلحانه معتقدم و بر این باورم که بدون اعمال قهر انقلابی نمی‌توان با قهر ضد انقلابی جمهوری اسلامی مقابله کرده و آنرا نابود ساخت، او با شوق گفت "من هم همین طور فکر می‌کنم" و توضیحاتی در این زمینه در رابطه با کشورهای آفریقایی داد.

شرکت کنندگان در راه پیمایی ، در انتهای مسیر در سالنی گرد هم آمده بودند که ما نیز به آن ها ملحق شدیم. حدود ۶۰ نفر (که اکثراً از گروه های سیاسی- اجتماعی ترک و کرد بودند و چند نفر از فعالین ایرانی نیز در میان آن ها دیده می شدند) ، در آن جا جمع شده بودند. انتظار داشتیم که در آن جا نیز مانند مراسم "میز کتاب" با تعداد بیشتری از ایرانیان فعال در جنبش زنان آشنا شویم. اما متأسفانه چنین نبود.

سپس ، به مراسم دیگری در رتردام رفتیم که توسط "کانون دانشجویان ایرانی در هلند" سازماندهی شده بود. جالب بود که در آن جا صدای فردی را از پشت سر شنیدیم که سراغ سخنرانان مراسم روز قبل در محل "میز کتاب" را می گرفت. وقتی با او آشنا شدم وی گفت که "دیشب دوستی از آمستردام به من تلفن زد و گفت که دیروز مراسم خیلی خوبی در محل میز کتاب داشته اید." من رفیق سارا را نیز به عنوان یکی از سخنرانان به او معرفی کردم و او مطرح کرد که "خوشحالم که سخنرانی خوبی داشته اید. می خواستم بهتان تبریک بگویم. و امیدوارم که در آینده نیز برنامه هائی در شهر رتردام هم داشته باشید." خیلی از او تشکر کردیم. او با دادن آدرس ایمیل خود به من ، از من خواست که انتشارات "اتحاد زنان آزادیخواه" را برای او بفرستم.

در رتردام چند نفر از کسانی را مجدداً ملاقات کردم که در مراسم "میز کتاب" آمستردام هم حضور داشتند. صحبت های آن ها نیز برای من نشانه ای از موفقیت مراسم روز قبل بود. آن ها گفتند که مراسم "میز کتاب" خیلی خوب بوده و دوست داشتند که از آن جا که فرصت نشده بود سوالاتشان را در آن جا مطرح کنند ، در رابطه با مسائل جنبش زنان بیشتر با هم گفتگو کنیم. از این پیشنهاد آن ها خیلی خوشحال شدم و در رابطه با مسائل مختلف جنبش زنان گفتگوی طولانی ای با هم داشتیم. و قرار گذاشتیم که ارتباط خود را حفظ کنیم.

در این سفر هر چه بیشتر برای من ثابت شد که انسان های متعهد و انقلابی ، در هر تعداد و در هر کجای دنیا که هستند ، می توانند با استفاده از انواع شیوه ها و امکاناتی که در اختیار دارند ، نقشی (هر چند کوچک اما مسلماً مؤثر) در مبارزه با رژیم ددمنش جمهوری اسلامی و افشای جنایات آن ایفا کنند. در این راه ، اتحاد عمل میان نیرو های سیاسی مختلف می تواند بسیار مفید واقع شود. آشنا شدن با دوستان و رفقای خوب و رد و بدل کردن تجربیات حرکت های اعتراضی و مبارزاتی در خارج از کشور ، یکی از دستاوردهای با ارزش در این سفر بود.

روی هم رفته، سفر ما به هلند جهت شرکت در مراسم روز زن در آمستردام و شرکت در راه پیمایی در رتردام ، بسیار پربار و مفید بود و خوشحالم که در این سفر همراه با رفقایم بودم و رفقا و دوستان جدیدی نیز پیدا کردم.

۱۰ مارس ۲۰۱۰